

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

اول اکتوبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۱۶۳

مُقَطَّعات

۶۴

مدح شهزاده محمود بن تیمورشاه درانی^۱

گشت از فرّ رخس باغ، چو خوبان فرنگ
چون رخ شاهد مهر^۲، از تنق خضراورنگ
خاصه هنگام صبحی، به نوای نی و چنگ
همچو هفت اختر سیاره بر این هفت اورنگ
روی آفاق ز نسرين شده، چون پشت پلنگ
که به درگاه شهان، خیل بتان سرهنگ
همچو در ترکش^۳ ترکان ختا^۴، تیر خدنگ

خسرو! فصل بهاران به چمن زد اورنگ
شد عیان از تنق^۲ سبزه، رُخ شاهد گل
وقت عیش است، به سوی چمن آرید شتاب!!!
باغ دل برده به هر هفته، به هر هفت دگر
صحن گلزار شده سهلا همه چون چشم غزال
لشکر غنچه چنان گرد چمن، کرده هجوم
شاخ در شاخ به هم در شده، هرسو نرگس

^۱ این قطعه، که قبلاً ضمن همین دیوان و از طرف پورتال نشر شده، عنوان ندارد و عنوان از روی متن استخراج شده است!!! (مصحح)
^۲ "تنق" (به ضمنین) به معنای "خیمه بزرگ" و "خرگاه" است.
^۳ "شاهد مهر"؛ یعنی "عروس مهر" و کنایه از "آفتاب"
^۴ "تنق خضراورنگ" کنایه از "آسمان" است

هیچ دانی، که در این فصل چرا صفحهٔ باغ؟
مخمل سبز فگنده ست، چمن پای انداز
نوگل گلشن گلزارِ معظّم، "تیمور"
زُهره در بزم فلک، دوش ز روی تعظیم

گشته آراسته و خوب، چو نقش ارژنگ
در ره مرکب شهزادهٔ دارا فرهنگ
که کمین چاکر او را بود از شاهان، ننگ
خواند این قطعه به مدحش، به هزاران آهنگ

^۵ "ترکش" مخفف "تیرکش" است
^۶ "ختا" یا "ختای" در ادبیات دری به مناطقی اطلاق شده، که چین شمالی و منوچوریا تا ترکستان شرقی را، در بر می‌گرفت. بعضاً آن را در هیئت "خطا" نویسند، که نادرست است و خطا!!!
^۷ "دارا فرهنگ" مراد از کسی ست، که همفرهنگ "دارا" یا "جم" و "جمشید" است، که پادشاه مشهور پیشدادی بلخ بوده است.